



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره ثبت:

فهرست:

گروه چهارم: کفالت ایتام آل محمد (ص) ----- ۳



بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه بحث گذشته

بحث در قاعده ارشاد جاهل، یا تعلیم جاهل به عنوان یک وظیفه عمومی است. ورود در این قاعده به مناسبت این بود که تعلیم، یک وظیفه عمومی در تربیت اجتماعی است، یعنی عموم جامعه در قبال کسانی که جاهل به تکالیف و احکام هستند وظیفه دارند. در این بحث، حدود ده آیه و گروهی از آیات بررسی شد و در بررسی روایات، گروهی از روایات بحث شد.

- گروه اول روایات، دال بر حرمت کتمان علم می‌کرد که بررسی شد.
- گروه دوم روایات که در کافی و در کتب دیگر آمده، با عنوان مَنْ عَلَّمَ بَابَ هَدْيٍ و یا مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا آمده است. این روایات نیز به عنوان دومین دلیل بحث شد (کافی، کتاب فضل العلم، باب ۴) حدیث ۴۰۲ بود که روایات معتبری بود و این مجموعه روایات از غرر روایات است که اشاره به این مطلب می‌کند که هر کس، باب خیر را به روی دیگری بگشاید و آگاهی در اموری در هدایت به دیگری بدهد این شخص، اجر دارد و در اجر کسانی که به آن هم عمل کنند، شریک است.

بنابراین دو گروه روایات بررسی شد:

الف: طائفه اول (بحار الانوار، ابواب فضل علم، باب ۱۳): حرمان کتمان علم که ده بیست روایت بود.

ب: طائفه دوم (بحار الانوار، ابواب فضل علم، باب ۸، ثواب الهدایة و تعلیم و فضلها و فضل العلماء و ذمّ اضلال الناس): تعلیم ابواب هدایت یا تعلیم خیر بود که شش هفت روایت بود.

روایات طائفه دوم، ظهور در وجوب ندارد، بلکه اطلاق دارد و اعم از واجبات و مستحبات و هر آنچه که در مسیر سعادت بشر دخیل است، یا به عنوان اولی، جزء احکام یا اعتقادات باشد یا از اموری باشد که در سعادت بشر مؤثر است که اگر خیر و هدایتی را به دیگری بیاموزد، در ثوابش شریک است، این تعلیم خیر و هدایت، رجحان را می‌رساند. برخلاف نکته مقابله که، اگر کسی ضلالت را به دیگری بیاموزد، حرام است، اما از آموختن خیر به دیگری، بیش از رجحان استفاده نمی‌شود.



گروه چهارم: کفالت ایتام آل محمد (ص)

روایات دیگری هم که برخی به صورت تک حدیث و برخی به صورت گروهی است، بعداً بحث خواهد شد.

از ویژگی‌های بسیار خوب بحار که در کتب روایی دیگر نیست، این است که هر بابی را شروع می‌کند آیات مربوط به آن را تا حد نسبتاً خوبی جمع کرده، و این از کارهای بسیار ناب و زیبای مرحوم علامه مجلسی^(ره) است و این طور نیست که با واژه و الفاظ پیش رفته باشد؛ بلکه با نگاه دقیق و اجتهادی، آیات مربوط به آن باب را آورده است. این ویژگی در حدیث‌نگاری‌های بعدی توجه نشده، و حتی در کارهای متأخرین، مثل میزان الحکمه و ... نیز این ویژگی وجود ندارد.

بعد از این که مرحوم مجلسی، آیات را ذکر کردند، روایاتی را در ذیل بحث آورده است و در باب کتمان علم، ۹۲ روایت آمده است. روایاتی که غالباً از امام حسن عسکری^(ع) نقل شده و حدود پانزده روایت در احتجاج طبرسی آمده است.

الإمامُ الهمامُ أبو مُحَمَّدٍ العسکریُّ ع في تفسیره، حَدَّثَنِی اَبیُّ عَن اَبائِهِ ع أَنَّهُ قَالَ: «أَشَدُّ مِنْ يَتِيمِ اليَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَن اَبِيهِ يَتِيمٌ يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَن اِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيِ الوُصُولِ اِلَيْهِ وَ لَا يَدْرِي حُكْمَهُ فَيَمَّا يَبْتَلَى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ اَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا فَهَذَا الجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا المُنْقَطِعُ عَن مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حِجْرِهِ اَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ اَرشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتِنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ اَلْاَعْلَى»^۱.

امام حسن عسکری از آبائشان، از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که حضرت می‌فرمایند: بالاترین یتیمی‌ها، یتیمی از امام است و ما مبتلای به یک یتیم بالاتری هستیم. هنگامی که رابطه ما با امام قطع شود، یتیمی مستمری که امت در زمان غیبت دارد «أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا فَهَذَا الجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا المُنْقَطِعُ عَن مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حِجْرِهِ»، یتیم در دامن اوست، «أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ اَرشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتِنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ اَلْاَعْلَى».

در این طائفه از روایات، کلمه ارشاد آمده، و بعید نیست فقها هم در این واژه، متأثر از این سلسله روایات بودند که می‌گویند نزدیک‌تر به عصر غیبت و مسائل مربوط به علماست، کسی که هدایت و ارشاد کند «وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتِنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ اَلْاَعْلَى». این روایت در احتجاج نیز آمده است.

^۱ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۳.



شماره هفت:

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ^ع قَالَ «قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^ع مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا عَالِمًا بِشَرِيعَتِنَا فَأَخْرَجَ ضَعْفَاءَ شِيعَتِنَا مِنْ ظُلْمَةِ جَهْلِهِمْ إِلَى نُورِ الْعِلْمِ الَّذِي حَبَّوْنَاهُ بِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ لِجَمِيعِ أَهْلِ الْعُرْصَاتِ وَ حَلَّةٌ لَا تَقُومُ لِأَقْلٍ سَلَكَ مِنْهَا الدُّنْيَا بِحَدَافِيرِهَا ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ يَا عِبَادَ اللَّهِ هَذَا عَالِمٌ مِنْ تَلَامِذَةِ بَعْضِ عُلَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ أَلَا فَمَنْ أَخْرَجَهُ فِي الدُّنْيَا مِنْ حَيْرَةٍ جَهْلِهِ فَلْيَتَشَبَّثْ بِنُورِهِ لِيُخْرِجَهُ مِنْ حَيْرَةِ ظُلْمَةِ هَذِهِ الْعُرْصَاتِ إِلَى نُزْهَةِ الْجَنَانِ فَيُخْرِجُ كُلُّ مَنْ كَانَ عِلْمُهُ فِي الدُّنْيَا خَيْرًا أَوْ فَتَحَ عَنْ قَلْبِهِ مِنَ الْجَهْلِ قَفْلًا أَوْ أَوْضَحَ لَهُ عَنْ شُبْهَةٍ»^٢

روایات دیگری که امام عسکری از امیرالمؤمنین نقل می کند:

.... در این روایت است که تاج نور افکنی دارد که همه صحنه قیامت را روشن می کند و ... عالمی که این

جور اقدامات را انجام دهد، این ثوابها را دارد.

۳- روایت سوم هم، همین مضمون را دارد. امام حسن عسکری نقل می کند کسی محضر حضرت زهرا

سلام^(س) آمد در تفسیر امام حسن عسکری است و برخی در احتجاج است آنهایی از این حدیث که در احتجاج هم آمده است، سند معتبر هم دارد.

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ^ع: «حَضَرَتْ امْرَأَةٌ عِنْدَ الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ^ع فَقَالَتْ إِنَّ لِي وَالدَّةَ ضَعِيفَةً وَقَدْ لَبَسَ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صَلَاتِهَا شَيْءٌ وَقَدْ بَعَثْتَنِي إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ فَأَجَابْتَهَا فَاطِمَةُ^ع عَنْ ذَلِكَ فَتَنَّتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ تَلَّتْ إِلَى أَنْ عَشَرَتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ خَجَلَتْ مِنَ الْكَثْرَةِ فَقَالَتْ لَا أَشُقُّ عَلَيْكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ^س هَاتِي وَ سَلِّي عَمَّا بَدَأَ لَكَ أَرَأَيْتَ مَنْ أَكْثَرِي يَوْمًا يَصْعَدُ إِلَى سَطْحٍ بِحَمَلٍ ثَقِيلٍ وَ كِرَاهٍ مِائَةَ أَلْفٍ دِينَارٍ يَتَّقِلُ عَلَيْهِ فَقَالَتْ لَا فَقَالَتْ أَكْثَرْتِ أُنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرِ مِنْ مِائَةِ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَوْلَا فَأَحْرَى أَنْ لَا يَتَّقِلُ عَلَيَّ سَمِعْتُ أَبِي^ص يَقُولُ إِنَّ عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يَحْشُرُونَ فَيَخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خَلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَ جِدِّهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يُخْلَعُ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ حَلَّةٍ مِنْ نُورٍ ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ أَيُّهَا الْكَافِلُونَ لِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ^ع النَّاعِشُونَ لَهُمْ عِنْدَ انْقِطَاعِهِمْ عَنْ آبَائِهِمُ الَّذِينَ هُمْ أَيْتَامُهُمْ هَؤُلَاءِ تَلَامِذَتِكُمْ وَ الْأَيْتَامُ الَّذِينَ كَفَلْتُمُوهُمْ وَ نَعَشْتُمُوهُمْ فَاخْلَعُوا عَلَيْهِمْ خَلَعِ الْعُلُومِ فِي الدُّنْيَا فَيَخْلَعُونَ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ أَوْلَادِكِ الْأَيْتَامِ عَلَى قَدْرِ مَا أَخَذُوا عَنْهُمْ مِنَ الْعُلُومِ إِلَى آخِرِهِ»^٣

کسی خدمت حضرت زهرا^(س) رسید و چندین مسئله از حضرت زهرا سوال کرد، فاجاب و از زیادی سوال

خجالت کشید. عرض کرد لا اشق عليك يا بنت رسول الله! ... حضرت فرمود: هر چه می خواهی پیرس، مثال زدند با

یک کنایه زیادی، اگر می خواهی به جای مهمی برسیم سنگین است!!! می گوید نه، حضرت فرمود: می فرماید من با

^٢ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٢، ص ٢.

^٣ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ١٧، ص ٣١٧.



شماره شصت:

هر مسئله‌ای که جواب می‌دهم لؤلؤ در قیامت را بدست می‌آورم به اندازه زمین و آسمان را در آن عالم ثواب بدست می‌آورم پس سخت نیست و در ادامه، ثواب‌هایی را نقل می‌کنند.

۴- روایت چهارم: قَالَ ع قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ: «فَضْلُ كَافِلِ يَتِيمٍ آلِ مُحَمَّدٍ عِ الْمُنْقَطِعِ عَنْ مَوَالِيهِ النَّاشِبِ فِي رُتْبَةِ الْجَهْلِ يُخْرِجُهُ مِنْ جَهْلِهِ وَيُوضِحُ لَهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ عَلَى فَضْلِ كَافِلِ يَتِيمٍ يُطْعِمُهُ وَيَسْقِيهِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى السُّهَاءِ»^۴.

در احتجاج و هم تفسیر امام عسکری آمده که امام فرمود: کافل یتیم معنوی و روحی نسبت به کسی که متکفل یتیم مادی جسمانی می‌شود نسبتش مثل نسبت شمس و ستاره است این قدر درجاتش بالاتر است.

۵- روایت پنجم قَالَ ع قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ: «مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيمًا قَطَعَتْهُ عَنَّا مَحْنَتَنَا بِاسْتِثَارِنَا فَوَاسَاهُ مِنْ عُلُومِنَا الَّتِي سَقَطَتْ إِلَيْهِ حَتَّى أُرْشِدَهُ وَ هَدَاهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ [لَهُ] يَا أَيُّهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمُوَأْسِي أَنَا أَوْلَى بِالكَرَمِ مِنْكَ إِلَى آخِرِهِ»^۵.

در ذیل این روایت، ثواب کفیل ایتمام ذکر شده است.

۶ و ۷- روایت ششم و روایت هفتم تقریباً همین مضمون را افاده می‌کند.

۸- روایت هشتم: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ ع «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابُطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُحِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أِبْدَانِهِمْ»^۶.

روایت مشهوری از امام صادق^(ع) است که می‌فرمایند: علمای شیعه، در همان مرزی که آن طرفش شیطان

و عمله او هستند، مرزبانی می‌کنند و نمی‌گذارند ابلیسها به ضعیفای شیعه هجوم بیاورند.

۹- روایت نهم: قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ «فَقِيهِ وَ أَحَدٌ يَنْقُدُ يَتِيمًا مِنْ أَيْتَامِنَا الْمُنْقَطِعِينَ عَنَّا وَ عَنِ مُشَاهَدَتِنَا بِتَعْلِيمِ مَا هُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ لَأَنَّ الْعَابِدَ هَمَّهُ ذَاتُ نَفْسِهِ فَقَطُّ وَ هَذَا هَمُّهُ مَعَ ذَاتِ نَفْسِهِ ذَوَاتُ عِبَادِ اللَّهِ وَ إِمَائِهِ لِيُنْقِذَهُمْ مِنْ يَدِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ فَلِذَلِكَ هُوَ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ وَ أَلْفِ عَابِدَةٍ»^۷.

۴ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲، ص ۳.

۵ - همان، ص ۴.

۶ - همان، ص ۵.

۷ - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۱۷.



از امام موسی بن جعفر^(ع) است که ناقل عمده اینها امام حسن عسکری^(ع) است آنجا دارد که عالمی که ... اشد علی ابلیس من الف عابد .

و روایت ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ... همین طور تا ۲۵ روایت در این مضمون وارد شده است.

این مجموعه را نمی‌توان کنار گذاشت و برخی از اینها معتبر است.

بحث دلالتی:

این مجموعه روایات عمدتاً ناظر به تعلیم عقاید و احکام و رشد علمی شیعیان و مقابله با هجمه‌هایی که می‌شود و دفاع در برابر هجمه هاست، البته این یک مطلب است که در حوزه اعتقادات و اخلاق و احکام و غالبش هم در کفالت یتیمان معنوی آمده است و یتیم هم در واقع در اینجا کسانی هستند که از پدران معنوی و معصوم خود دور افتادند. این مفهوم ویژه یتیم در روایات است در روایات ما یتیم به معنای انقطاع از آباء معنوی و آباء معصوم است که آن وقت، کافل یتیم، علما می‌شوند و علما، کافلان ایتم روحی و معنوی می‌شوند که وظیفه اینها نگهداری از آن اعتقادات و اخلاق و احکام و به شکلی هویت شیعی است و وظیفه دارند که هویت مکتب اهل بیت را حفظ کنند و طبعاً مرتبط با قاعده ارشاد جاهل است و باید تعلیم و آگاهی بدهند.

۲- در این روایات، علاوه بر قاعده ارشاد و تعلیم جاهل، به قاعده هدایت غافل هم توجه شده است که بعدهای تربیتی آن هم توجه شده است هدا، تعبیر هدایت هم آمده است، هم این که آگاهی دهد، موعظه کند هم این که دستگیری کند و با روشهای تربیتی، اینها را حفظ کند. هر دو قاعده ارشاد و هدایت دیگران غافلان و نیازمندان و یتیمان معنوی اینجا آمده است.

ائمه ما به تدریج از حالت اقلیت محض به تدریج بیرون آمدند ضمن حفظ وحدت کلی و مسائلی که در جای خودش محفوظ است این که یک نوع هویت‌سازی می‌کنند. امام رضا^(ع) در این هویت‌سازی خیلی مهم بود، یعنی تشیع بسط پیدا کرد و برای شیعه هویت پیدا شد و در واقع اشاره به بعد سیاسی اجتماعی دارد یعنی می‌گوید علما هویت‌ساز هستند، یعنی جامعه اهل بیتی پدید می‌آورند. و با بحث تربیت نیز مرتبط است یعنی احکام و معارف را یاد می‌دهد و در مقابل هجمه‌ها دفاع می‌کنند، شبهه‌ها را برطرف می‌کند.

۳- این روایات هم بیان اثباتی استحبابی و رجحانی دارد، همین جور ثواب ذکر می‌کند که علمایی که این کار را می‌کنند چه مقامات، مدارج و رتبه‌هایی در قیامت دارند، قبلاً گفته شد که بیان ثواب، لایفید اکثر من الرجحان، این یک قاعده است بیان الثواب و رعد الثواب لایفید اکثر من الرجحان و الاستحباب؛ ولذا این اختصاص به احکام یا معارف الزامی هم ندارد غیر اینها را هم می‌گیرد. بنابراین ظاهر قضیه این است که رجحان را می‌گوید؛ مگر این که



شماره شصت:

کسی بگوید در اینها مناسبت حکم و موضوعی وجود دارد که می‌خواهد بگوید لازم است یعنی باید این کار را انجام دهد. بعید نیست در این روایات گفته شود کسانی باید این کار را انجام دهند برای این که این روایات ناظر به دفاع است حفظ می‌کند از این که ابلیس به آنها هجمه بیاورد، یعنی قرائتی است که مفید و خوب است، یعنی باید این کار را بکند؛ ولذا بعید نیست که علیرغم این که تعداد زیادی از این روایات فقط ثواب را ذکر می‌کند و بیان ثواب هم بیش از رجحان را افاده نمی‌کند اما در عین حال یک قرائن لَبّی و لفظی پیدا می‌شود که می‌شود از اینها استفاده و خوب هم کرد، و آن قرائن لَبّی این است که موضوعش، موضوع مهمی است و نمی‌شود کسی متکفل این ایتمام نشود و قرائن لفظی هم کفالت ایتمام و یا جایی که می‌گوید دفاع کند و علما در مرزی هستند که در آن سوی مرز، شیاطین صف کشیدند و اینها نشانگر این است که مرزبان و دفاع، واجب است و دفاعش هم به آگاهی‌بخشی و تربیتی و هویت-سازی است؛ ولذا این مجموعه سوم از ادله ارشاد جاهل ادله‌ای است که لایب‌بعد که گفته شود کثرت دارد، اعتبار هم دارد و دلالت بر الزام هم دارد و هر دو قاعده (ارشاد جاهل و قاعده هدایت) همه فعالیت‌های تعلیمی، تزکیه‌ای و وعظ و نصیحت و تربیت و امتثال اینها را شامل است.